

فصل نامہ کی ادبی

درسیہ سار خورشید سوم

شمارہ دوم

زستان ۱۳۹۵



برگزیده آثار نوشتاری دانش آموزان

دستان پسرانه امام حسین (ع)

به کوشش: زهرا خدائیان «معلم کتابخوانی»

تایپ و طراحی: سمیه دشتی و اعظم قاضی

سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵

سید عرفان حسینی کلاس ۶/۳

شهر پیراهن خورشید را پوشیده بود که کاروانی از ابر قسمتی از آسمان را اشغال کرده و مانند شاه بر آسمان حکومت کرد ابر مانند عقاب به دنبال کلاغ راه افتاد بچه انسانی به بالا نگاه کرد . چشمانش را به آسمان دوخت. دست ابری را دید که بر شانه آسمان بود چشمان بچه به بغض ابر دوخته شده بود که شاید بغض بشکند و باران بیارد.



امیرعلی امیرگان کلاس ۲/۱

از یکی شان پرسیدم	دو تا پسر را دیدم	به مدرسه رسیدم	دویدم و دویدم
به من کتاب می دهید	شما کمک می کنید	کتاب دفتر ندارم	چرا من کیف ندارم
خنده به لبهات میدیم	کنارهم ما شادیم	فکر نکنی جدایی	گفتن تو دوست مایی



محمد نوپوش کلاس ۶/۳

هنوز آغوش درخت بوی پرندۀ می داد و باد لحظه ی وداع با کبوتر از درخت را تماشا می کرد ، غروبی
دل انگیز باز هم پایان یک روز زیبا را به پرندۀ خبر می داد ، باز هم صدای غار غار به گوش می رسید ،
این یعنی خداحافظ دوست و خداحافظ پرندۀ



محمد صدرا نور سعید کلاس ۴/۱

هر چه خواهد دل تنگت بگو
گر تو داری مادری پشت سرت
راحتی از کینه ی این زندگی
آن پدر هم مثل کوهی استوار
زندگی سخت است اما هیچ نگو
می شود او تکیه گاه بهترت
چون تو داری هی دعا پشت سرت
تکیه گاه محکمی صبر و قرار
تا نیفتی تو درون پرتگاه
هر دو محکم پشت تو یک تکیه گاه



محمدشهاب عباسی کلاس ۴/۲

وقتی صدای باران را می شنوم ، احساس می کنم که کسی دارد می آید با دست های آبی . کرامتش را از جایی به جای دیگر می برد این دریاست که به آسمان رفته و هر بار این کار خود را تکرار می کند، وقتی به کوچه می آید من از صدای قدم هایش خوشم می آید چون او می آید تا زمین را نوازش کند. اگر باران نبود احساس ها پژمرده بودند.



علی نوپوش کلاس ۳/۲

وقتی او آمد پرنده ها از قفس آزاد شدند . تاریکی رفت و روشنایی آمد . همه ی مردم خوشحال شدند و گل ها شاداب شدند. وقتی او آمد سرود آبشار، موسیقی جویبار، نغمه ی پرندگان بهترین آوازه ایشان خواندند . وقتی او آمد ارتباط ما با آمریکا و انگلیس ستم گر قطع شد . تا ما دیگر نوکر آن ها نباشیم ، و بعد ایران قوی ترین کشور شد.



علی انجیدنی کلاس ۲/۱

دویدم دویدم به ماه شب رسیدم یک سوالی پرسیدم گفتم ستاره می خوام
گفتم که خیلی تنهام بعدماه مهربونم ستاره دانشونم ستاره داد به دستم
گفتم که ممنون هستم بعد دوباره همونو به آسمون چسبوندم ستاره خوشحال شد .



سیدپنیامین حسینی کلاس ۲/۱

وقتی صدای پرنده ای رامی شنوم احساس می کنم بلبلی در باغی بزرگ نفسی می کشد. او دارد
برای من شعر می خواند و به من خبرهای خوب دنیا رامی دهد و غم و غصه ی من راکم می کند
تا مرا خوشحال کند .



سید محمد مهدی حسینی کلاس ۴/۳

وقتی آسمان ، شال سیاهش را روی سرش انداخت. چشمانم سیاهی رفت ، خورشید را گم کرد ،
چقدر تلخ بود، لحظه فروتنی خورشید، خورشید رفت ، دلتنگی مهمان آسمان شد ، دوباره شب و
ترس و تنهایی ، خانه چراغ می خواست .



متین نصرآبادی کلاس ۲/۱

وقتی صدای قرآن را می شنوم احساس می کنم هیچ چیز بدی در دنیا وجود ندارد . حتی فکر می
کنم شیطان هم وجود ندارد. من وقتی که صدای قرآن خواندن پدرم را می شنوم احساس آرامش
پیدا می کنم وقتی که دارم نماز می خوانم کلمه های قرآنی را از خدا یاد می گیرم و احساس
آرامش می کنم .



طاها پیدختی کلاس ۵/۳

گاهی نیم نگاهی از پشت پلک های ابر دیده می شد . فکر می کردم غولی در پشت ابر زندگی می کرد. کمی بعد فهمیدم نگاهی طلایی که در پشت پلک های ابر نفس می کشد خورشید است. شب ها نگاهی به رنگ سفید در می آمد و من باز با فکر درگیر شدم. بچه غول چشم های سفید داشت، باز هم از بودن آن نگاه سفید باخبر شدم. من شب ها از نگاه غضبناک ماه می ترسیدم و روزها با نگاه مهربانانه ی خورشید دلگرمی و آرامش را در وجودم حس می کردم. اما حالا هر دو گنج های باورمند.



احسان زرندی کلاس ۴/۱

ایثار از دستان خورشید می چکد . وقتی نگاه گلی به خورشید ایثارگر می افتد و از خواب بیدار می شود. به دنیا سلامی دوباره می کند، من به زندگی می پیوندم و با نشاط زندگی می کنم. دستان گرم خورشید گل را نوازش داد. گل بر اثر کرامتش رشد کرد و دنیا زیبا شد. اگر انسان ها هم مثل خورشید بی منت گرما بخش بودند دنیا گلستان می شد.



امین رزمخواه کلاس (۴)

ایثار از دستان خورشید می چکد. وقتی که لاله و کاکتوس را هم زمان می بیند، با خود نمی گوید : لاله زیباتر است و کاکتوس خاردار و زشت است. مطمئناً خورشید نمی خواهد برف ها را آب کند. اما وقتی اصرار برف ها را می بیند ، بین برف های سفید و برف های گل آلود و کثیف ، فرق نمی گذارد وقتی می خواهد به انسان ویتامین (دی) بدهد به ظاهر و باطن آن کاری ندارد. کار او همین است. دوستت دارم خورشید . ای ایثارگری که تا زنده ای ، به ما گرما و نور می دهی و ایثار و فداکاری را به ما می آموزی همواره بتاب .



محمدچمبری کلاس (۴)

ایثار از دستان خورشید می چکد وقتی نور گرمش را به بد و خوب می رساند وقتی به گل ها و علف ها و درختان و انسان های بد و خوب به یک اندازه انرژی می بخشد. ابر همسایه ی خورشید است وقتی گریه می کند اشک هایش را به همه می دهد برایش فرق نمی کند که آنجا انسان است، زمین است یا کوه چون فکرمی کند همه چیز و همه کس به اشک هایش نیازمندند . آتش نشان هم مثل خورشید و همسایه اش ابر فداکار است. وقتی که جایی می سوزد برایش فرق ندارد که کجاست. فقط به فکر خاموش کردن آتش است یا وقتی که کسی جایی گیر می افتد برایش فرق ندارد که کیست فقط کمکش کند. اما بعضی آدم ها آتش فشانند وقتی می سوزانند برایشان فرق ندارد آنچه می سوزد دل است یا مال و حال .



آتش نشان

ایلیادارایان کلاس ۵/۱

زندگی کتاب ریاضی است که می توان مهربانی را با عشق جمع بست و در نتیجه مساوی آن زندگی را بدست آورد چند راه برای بدست آوردن زندگی وجود آورد. می توان شادی را با مهربانی ضرب کرد اما کاش، کاش کسی ضرب و تقسیم زندگی را بلد بود تا اعتماد بدست آید اما اگر اعتماد را با دو اشتباه تقسیم کنیم هیچ نمی ماند جز شک و بدبینی . مثل همین روزها الان زندگی نابود شده به جز بعضی ها که همین الان به ظاهر احساس رضایت می کنند.



محمدرضا صالح آبادی کلاس ۴/۲

گاه صدایم میکنی اما گوش هایم به وسعت فراموشی بیداد میکند. فرشته هایت که می آید.. حس خوبی به من دست میدهد. که قول می دهم زمانی تمام فراموشی هایم تمام شود . به فرشته هایت بگو که می دانم چقدر خوب هستند هر کاری که می خواهم انجام دهم به من می گویند و هشدار می دهند. آرامشی که در هر زمان در خواب و بیداری فقط به خاطر تو دارم. وای به آن روزی که تو مرا فراموش کنی . موقعی که خطایی از من سر می زند تو مرا فراموش می کنی؟ البته امکان ندارد چون تو بخشنده ترین هایی و از من می گذری . برای همین آرامش دارم توصیف ناپذیری . خدایا با تو شروع و با تو تمام می کنم. به امیدتو.....



محمدسیدی کلاس ۵

نگاه پنجره مشغول حرف است	زمین و آسمان درگیر برف است
درون خانه ی مادر بزرگ ها	حدیث سنگول و منگول و گرگ ها
شب کودک شب مادر بزرگ است	نگاهم رفته روی هر دو در بست
نگاهی دور از این مهر و محبت	نگاهی که ندارد هیچ طاقت
نشسته منتظر در پشت یک در	که شاید انتظارش گردد آخر
شب یلدا و مهمانی به راه است	ولی انسان تنها ، دل سیاه است
همه با هم شویم از نسل خورشید	بپاشیم روی دل ها نور امید



امیرحسین همتی کلاس ۳/۱

وقتی صدای دریا را می شنوم احساس می کنم موجی هستم که در دریا پراکنده ام فکر می کنم می توانم مثل دریانوردها به همه ی دریا سفر می کنم. فکرمی کنم نورخورشید که به من می تابد من به هوا پرواز می کنم و در هر جایی که دوست دارم فرود می آیم . چقدر خوب است که دریا باشم اما دریا نیستیم ، دریا زیباست و بی انتها . اگر تنها یک بار با زیر دریایی ، زیر دریا را ببینی دیگر نمی خواهی برگردی و دلت می خواهد که همان جا زندگی کنی. تو اگر از بالای دریا با قایق بگذری فکر می کنی که با هواپیمای دریایی به بالای دریا رفتی . ماهیان زیبایی که در عمق دریا زندگی می کنند را دوست دارم مانند : دلک ماهی... بعضی از لاک پشت ها در کنار دریا تخم می گذارند و می روند . بچه لاک پشت ها که به دریا می روند حتی فرصت ندارند با پدر و مادر خود خداحافظی کنند. من دریای بزرگ را دوست دارم . چون آغوشی است برای زیبایی.



بردیا ناظران کلاس ۳/۲

درخت دستانش را رو به آسمان بلند کرد تا با خدا راز و نیاز بکند ، خدا از این کار درخت خوشش آمد برای همین یک کاری کرد تا هیچ کس نتواند درخت را نابود کند . یک ماه بعد یک مرد آمد که دستش اره برقی بود بعد هرچه خواست درخت را ببرد نتوانست و اره برقی اش خراب شد. روز بعد یک تانک آمد و هر چه توپ هایش را پرتاب کرد درخت نابود نشد و یکی از توپ های تانک برگشت و تانک را نابود کرد این که درخت نابود نشد بخاطر قدرت خداوند یکتا بود.



زهرا خداشناس (آموزگار کتابخوانی)

یک مشت احساس

وقتی خدا تکیه گاه فصل ها باشد ، درخت خشک و برف خورده هم با نفس گرمش به بهار دل خوش می کند ، چون ریشه دارد . پیداهن سفید زمین با حال های سیاه کلاغی تن پوش عجیبی است که نگاه عابران را برکت خیز می کند ، تا آن جا که دستهایشان گندم زاری می شود برای رویش عاطفه و مهربانی ، برای سوزاندن طعم تلخ گرسنگی ، از رویش اندیشه ی دانش آموزان پیداست که صدای پای بهار می آید و کسی در همسایگی و همکلاسی ، دستهای مهربانان را می چوید از باران عاطفه به دیوار پی تفاوتی تکیه نزنیم .



همه با هم
برای هم ...
جشن عاطفه ها



دستان پسرانه امام حسين (عليه السلام)

دوره اول و دوم

تحصيلي ۹۶-۱۳۹۵